

رسانه‌های نوین و بحران هویت

علی ربیعی *

E-mail: alirabee@CSR.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۶/۷

چکیده

استفاده از اینترنت و مواجهه با فضای مجازی در میان جوانان ایرانی روز به روز در حال افزایش است. تأثیرپذیری از این فضا به لحاظ گستردگی اینترنت و دسترسی همگان، حتی افرادی که در نقاط دور دست با امکانات محدود زندگی می‌کنند، پدیده‌ای است که در جامعه ایران امروز در حال فزونی است. اگرچه رسانه‌های نوین در فرایند ارتباطات می‌توانند دارای تأثیرات مثبت و منفی باشند، این مقاله تنها بر جنبه‌های بحران‌زای این فرایند تأکید کرده است و یکی از آثار فضای مجازی را در جوامع، به‌خصوص جوامع در حال گذار، ایجاد بحران هویت فردی، گروهی، قومی و دینی می‌داند. این مطالعه همچنین تغییرات هویتی در سطوح مختلف و بحران ناشی از آن را در مواجهه با رسانه‌های نوین، به‌خصوص فضای مجازی بررسی کرده است.

در این جستار، نخست هویت و فضای مجازی تعریف و تبیین شده، سپس بحران هویت و نظریه‌های مرتبط با آن بررسی شده و در نهایت، زمینه‌های این بحران با توجه به نتایج تحقیقات در جامعه امروز ایران مطالعه شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد براساس یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران اینترنتی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از اینترنت همچنین درمی‌یابیم که رسانه‌های نوین، عامل تغییرات در نهادهای هویت‌ساز شده‌اند و فضای مجازی عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر نموده است.

کلیدواژه‌ها: هویت، بحران، بحران هویت، فضای مجازی، ایران.

مقدمه و طرح مسئله

امروزه، نظریه‌پردازان و سیاستمداران، جهان آینده را با تعبیری مختلف معرفی می‌کنند. با هر تعریفی از آن، جهان امروز مجموعه‌ای در حال به هم پیوستن، درهم تنیده و چندوجهی است و بدون تردید یکی از تحولات اساسی در زمینه فرهنگی و اجتماعی، کارکردهای منابع هویت‌ساز خواهد بود. دگرگونی این منابع با تحولات مکان، فضا، زمان، فرهنگ، جامعه و نقش روبه‌کاهندگی اقتدار و مرجعیت دولت‌ها در مقیاس با گذشته، هویت‌های مألوف را در جوامع به چالش کشانده است.

اینترنت به لحاظ عمومیت یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی در درون مرزهای ملی، تبدیل شدن به یک ارتباط خصوصی و شخصی و فارغ بودن از هر نوع کنترل از سوی مراجع قدرت، به وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده و زمینه‌های تأثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده است. به رغم آثار چالش‌زای اینترنت، استفاده نهادهای معنا‌ساز هویتی در حوزه دین نیز از اینترنت رواج یافته است مطالعات نشان می‌دهد حتی فضای مجازی فرصتی مغتنم برای هویت‌یابی و بروز احساسات دینی از سوی جوانان بوده است.

اینترنت مانند رادیو، تلویزیون و ماهواره از ابتدا یک وسیله تزئینی گرانقیمت و دست‌نیافتنی نبوده و با سرعت غیرقابل‌باور، زمینه استفاده همه طبقات اجتماعی را فراهم آورده است. خصوصیات اینترنت، موجب شده است به وسیله‌ای پر قدرت تبدیل، و رقیبی برای نهادهای تبلیغی دولتی و منابع هویت‌ساز تلقی شود.

مفهوم «بحران هویت» ناشی از شرایط جدید فضای دوجوهانی شده کنونی است. یکی از مهم‌ترین عوامل بروز بحران هویت در جوامع فعلی، گسترش صنعت ارتباطات و به ویژه فضای مجازی و اینترنت است. اینترنت که آزادترین محیطی است که بشر تا به امروز با آن مواجه بوده، منابع هویت‌ساز سنتی و معمول در جوامع را تضعیف و کارکرد آنها را با دشواری روبه‌رو کرده است. این بحران فقط به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه محدود نبوده و نخواهد بود؛ به طوری که در جهان امروز هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعا کند که از تأثیرات ناشی از این بحران در امان خواهد بود.

هویت‌های فردی، اجتماعی، قومی، گروهی و دینی در ایران امروز، هر یک به گونه‌ای، با نوعی از بحران هویت مواجه‌اند. نویسنده این مقاله در صدد پاسخ به این سؤال: نسبت میان فضای مجازی (اینترنت) و بحران هویت جمعی چیست؟ و نیز بررسی این مسئله است که هویت‌های فردی، اجتماعی، قومی - گروهی در ایران امروز

با چه نوع بحران هویتی مواجه هستند. تأثیر فضای مجازی بر هویت در - مفهوم گسترده خود - به‌رغم انکارناپذیر بودن آن، صرفاً در نوع، میزان و تأثیر مثبت یا منفی آن محل مناقشه نظری است و اینکه این تأثیر و تغییر هویت به چه نحو خواهد بود، هنوز پاسخ روشنی برای آن وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد دوران کنونی، دوران بلاتکلیفی در فرجام این فرایند است. با این وصف، امکان دارد وقوع چندگانگی و شکاف‌های هویتی در درون جامعه ایران به نوعی از بحران هویت بینجامد. این مسئله در کشورهای فناوری‌های ضعیف ارتباطی کم‌قدرت، وضعیتی متفاوت دارد و این کشورها با تأثیرپذیری بیشتر و تأثیرگذاری کمتر، بیشتر در معرض بحران هویت قرار دارند.

فرضیه این مقاله نیز بر این اساس است که: اینترنت از طریق جهانی‌سازی شبکه ارتباط و تعاملات ناشی از آن، موجب تغییر در نظام ارزشی، هنجاری و نگرش نسل سوم، و زمینه‌ساز بحران هویت در سطوح مختلف شده است.

ضعف نهادهای هویت‌ساز، ناشی از تحولات ساختاری است، جمعیتی، شکاف‌های متعدد، از جمله شکاف نسلی، نارسایی‌های اقتصادی و معیشتی مشکلات اجتماعی آن‌ها مزید بر علت شده و این تأثیرات را مضاعف و ملموس‌تر کرده است. این مقاله در ادامه، مفاهیم بحران هویت و فضای مجازی و نیز رابطه آن‌ها را با تغییرات و بحران‌هایی که در حوزه‌های هویتی متصور خواهد بود، تشریح کرده است.

در این تحقیق، از نظریات حوزه بحران با رویکرد سیستمی، بحران هویت با تکیه بر نظریات لوسین پای و دیدگاه مانوئل کاستلز در مورد آثار گسترش فناوری‌های اطلاعات بر زندگی اجتماعی انسان‌ها و نیز نظریات «دو جهانی شدن» استفاده شده است. روش مطالعه در این مقاله، بهره‌گیری از استدلال‌های نظری و نیز متکی بر برخی شواهد تجربی از تحقیقات صورت گرفته می‌باشد.

هویت

پیش از ورود به مباحث بحران هویت، پرداختن به چیستی هویت ضروری به‌نظر می‌رسد. هویت در نگاه متفکران مختلف در حوزه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی، تعاریف متفاوتی دارد و اندیشمندان با رویکردهای مختلف به این مفهوم پرداخته‌اند. این امر ارائه تعریفی جامع و مانع از هویت را دشوار می‌سازد.

فرهنگ لغت آکسفورد (۲۰۰۲) هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: «خصوصیات، احساسات و باورهایی که باعث تمایز افراد از یکدیگر می‌شوند.» استوارت هال^۱ اعتقاد

1. Stuart Hall

دارد که «هویت‌ها، پیوست‌های موقتی و گذرای سوپژه هستند که کنش‌های پراکنده‌ای را برای ما به ارمغان می‌آورند.» این تعریف به این معناست که در حقیقت نمی‌توان از هویت‌های ثابت حرف زد (صوفی، ۱۳۸۵: http://www.goftman.com).

تعریف هویت را برای اولین بار اریکسون^۱ ارائه کرد و واترمن و آچر آن را تحلیل کردند. اریکسون هویت را در اصطلاح، یک حس درونی کلی توصیف کرده است. از نظر او، هویت جریان تلفیق تغییرات فردی و نیازهای اجتماعی برای آینده است. وی تشکیل هویت را شامل به وجود آمدن یک احساس این‌همانی و وحدت شخصیت می‌داند که فرد احساس می‌کند و دیگران آن را تشخیص می‌دهند و از زمانی به زمان دیگر مشابه است (ادیب‌راد، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

از سوی دیگر، مانوئل کاستلز هویت را «فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی می‌داند که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود. بر مبنای این تعریف، هویت‌ها همیشه تولید و بازتولید می‌شوند.» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲) از نظر کاستلز، هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن ساخته می‌شود. آنتونی گیدنز نیز هویت را منبع معنا برای کنشگران می‌داند. از نظر وی انسان با احساس عدم هویت، عدم امنیت هم خواهد داشت (نوجه فلاح، ۱۳۸۳: ۴۲).

منتظر قائم (۱۳۷۹: ۲۷۰-۲۵۱) هویت را حائز دو ویژگی مهم می‌داند: اول اینکه هویت وجه تمایز من و ما با دیگری و دیگران است و دوم اینکه هویت مهم‌ترین و اساسی‌ترین منبع شناخت عواطف، احساسات و سازماندهی رفتارهای جمعی درون جامعه پیرامون ما محسوب می‌شود و آن را امری تاریخمند معرفی می‌کند. تاجفیل هویت اجتماعی - که نوعی خودشناسی در رابطه با دیگران است - را با عضویت گروهی پیوند می‌زند. وی عضویت گروهی را مبتنی بر سه عنصر زیر می‌داند:

۱. عنصر شناختی: آگاهی فرد از اینکه به یک گروه تعلق دارد؛
۲. عنصر ارزشی: فرض‌هایی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی؛
۳. عنصر احساسی: احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه خاص با آن گروه دارند (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۸-۱۳). براساس این نظریه، تمایز نمادین بین گروه خودی و غیرخودی مبنای شکل‌گیری هویت اجتماعی است. به اعتقاد بلومر، هویت خود اجتماعی افراد است. بر این اساس، هویت فرد پنداشتی است که او از

1. Ericson

خود در جریان کنش متقابل با دیگران به دست می‌آورد. بر مبنای دیدگاه کنش متقابل نمادین (مید کولی و بلومر)، می‌توان گفت عوامل جامعه‌پذیری همانند مدرسه، همسالان، گروه‌های مرجع و رسانه‌های گروهی، اهمیت زیادی در جریان هویت‌یابی دارند (قنبری برزیان، ۱۳۸۳: ۳۶۳).

از نظر عاملی (۱۳۸۴: ۴۳) هویت مفهومی مرتبط با حوزه معناست؛ اما معنا خصیصه ذاتی فرد و یا جامعه نیست، بلکه محصول توافق‌ها و عدم توافق‌هاست و از مفاهیم صدرصد نسبی است. حال نیز به هویت در یک بستر دیالکتیکی نگاه می‌کند و هویت را در بودن‌ها و نبودن‌های ما تعریف می‌کند. در مجموع، هویت واجد سه عنصر است: هویت شخصی، فرهنگی و اجتماعی که هر یک در تکوین هویت فرد نقش مهمی ایفا می‌کنند. در مقایسه این سه هویت، هویت شخصی ویژگی بی‌همتای فرد را تشکیل می‌دهد؛ هویت اجتماعی (نقش‌های اجتماعی درونی‌شده و متنوع) و فرهنگی (درک و کاربرد نمادهای فرهنگی) در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مختلف قرار می‌گیرند (بوربور، ۱۳۸۳: ۸۸).

به اعتقاد بامیستر^۱ مسئله اصلی درباره فرهنگ، هویت است و سؤال اصلی در خصوص هویت این است: من کیستم؟ هویت یک تعریف است؛ تفسیری است از خود که نشان می‌دهد شخص از نظر اجتماعی و روانشناسی کیست و چه جایگاهی دارد. هنگامی که شخص دارای هویت باشد، جایگاه او مشخص است؛ یعنی شخص با مشارکت یا عضویت خود در روابط اجتماعی در قالب یک شیء اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت‌ها فقط در جوامع وجود دارند؛ چون این جوامع هستند که آن‌ها را تعریف و سازماندهی می‌کنند. همان‌طور که بامیستر ذکر می‌کند: «جست‌وجوی هویت شامل این مسئله است که ارتباط صحیح فرد و جامعه به‌عنوان یک کل چه باشد.» (بامیستر، ۱۹۸۶: ۷) فرد نیز به دلیل نیاز به تعلق به اجتماع در جست‌وجوی هویت است. در عصر حاضر ملت نماینده یکی از این اجتماعات و هویت ملی محصول ملت است. هویت در سطوح و ابعاد مختلف واکاوی شده است. هویت ملی، هویت دینی، هویت فردی، هویت جهانی و مواردی از این قبیل.

هنگامی که از هویت دینی سخن به میان می‌آید، در واقع به ابعاد کارکردی و عینی دین اشاره می‌شود. هویت دینی آن احساس خاصی است که پیروان یک دین را به یکدیگر پیوند می‌دهد و ایشان را در تعلقشان به یک هویت جمعی تعریف می‌کند

1. Baumeister

(گزارش راهبردی، ۱۳۸۵: ۱۴). هویت اجتماعی جنبه‌ای از هویت است که در روند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد و حتی به‌نوعی می‌توان سایر اقسام هویت‌های جمعی را اشکال مختلفی از هویت اجتماعی دانست. به‌لحاظ قراردادی اغلب هویت اجتماعی در برابر هویت فردی تعریف می‌شود؛ زیرا هر اندازه که هویت فردی دارای ابعاد روانشناختی است، هویت اجتماعی از ابعاد جامعه‌شناختی برخوردار است؛ به‌همین ترتیب، همچنان که هویت فردی در نسبت خود با خود شکل می‌پذیرد، هویت اجتماعی در نسبت فرد با جوامع یا محافلی که با آن‌ها در ارتباط است صورت‌بندی می‌شود (اریکسون، ۱۹۶۸: ۲۱۷). هنگامی که از هویت قومی سخن به‌میان می‌آید، در حقیقت به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مختلف نظیر زبان، مذهب و جغرافیا اشاره می‌شود که در مواجهه با هویت ملی از جامعیت افتراق برخوردار است؛ در صورتی که اگر هویت قومی به‌منزله یادگفتمانی در مقابل هویت ملی در نظر گرفته شود، همواره هویت ملی با چالش روبه‌رو خواهد شد. از آنجا که حوزه هویت ملی فراخ‌تر از سایر اشکال هویت است، بالتبع تقابل آن با سایر هویت‌ها به‌معنای قدرت گرفتن هویت‌های دیگر و تضعیف هویت ملی می‌باشد. تفسیری که از هویت ملی ارائه می‌شود باید هویت‌های قومی را در قالب «ما»ی تعمیم‌یافته ملی قرار دهد وگرنه هویت‌های قومی به «دگر» و «استثنا» تبدیل می‌شوند (گزارش راهبردی، ۱۳۸۵: ۹).

بحران

مک کارتی معتقد است عامل اصلی پیدایش تعریف‌های گوناگون از بحران افزون بر رهیافت روش‌شناختی اتخاذشده، از زمینه‌های واقعی رخداد بحران نشئت می‌گیرد (مک‌کارتی، ۱۳۸۰: ۴۲). فرهنگ لغت دهخدا در مقابل کلمه بحران می‌نویسد: «تغییری که بیمار را پدید آید. تغییر عظیم که دفعاتاً در مرض واقع شود از مقاومت طبیعت با مرض، یا به سوی صحت کشد یا به هلاک» (دهخدا، ۱۳۴۳: ۶۷۹).

بحران^۱ از ریشه یونانی (Krinon) به‌معنای نقطه عطف (به‌ویژه در مورد بیماری) گرفته شده است و همچنین به‌معنای بروز خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. ریشه یونانی به‌معنای قضاوت، لحظه حساس، مشاجره و نقطه تصمیم‌گیری است؛ یعنی رسیدن به مرحله‌ای که پس از آن، اوضاع می‌تواند به نفع یا به ضرر خود تمام شود.

1. Crisis

- به رغم این نظریات، تعاریف گوناگونی از بحران ذکر شده است که عبارت‌اند از:
۱. هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد، حالتی از نابسامانی ایجاد شود، یا نظمی مختل شود یا حالتی غیرطبیعی پدید آید، بحران مطرح می‌شود (قاسمیان، ۱۳۸۳: ۲۵).
 ۲. به‌وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا نامتعارف در جریان حرکت سیستم یا نظام.
 ۳. وضعیت ناپایدار و متزلزلی که در چارچوب آن، تغییر قطعی (بهتر یا بدتر) در شرف وقوع است.
 ۴. هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر می‌شود.
 ۵. شرایط، اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد اطمینان.
- تاجیک ضمن بیان این مطلب که بحران اساساً موضوع تعریف و بازتعریف است نه موضوع شناخت، هرگونه تعریفی از بحران را نسبی می‌داند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۸). به اعتقاد وی، نامشخص بودن عرصه، قلمرو و حریم بحران‌ها نیز بر ابهام و پیچیدگی آن‌ها افزوده است. بحران تنها مفهومی نیست که از طریق آن بتوان درکی از حوادث بحرانی حاصل کرد، بلکه مفاهیم متعدد دیگری، همچون درگیری، ستیز، بی‌ثباتی، انقلاب، شورش، دگرگونی نظم و سرنگونی نظام حاکم به‌نحوی از انحاء به این پدیده رجوع می‌دهند (قاسمیان، ۱۳۸۳: ۵۰).
- در چارچوب روش سیستمی، یک بحران عبارت است از وضعیتی که تعادل و نظم اصلی یک سیستم یا قسمت‌هایی از آن را (سیستم فرعی) مختل کرده و پایداری آن را بر هم می‌زند. بنابراین، بحران عبارت است از به‌وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در روند حرکت یک سیستم. به‌بیان دیگر، بحران وضعیتی است ناپایدار که با یک یا چند متغیر ایجاد شده، نظم موجود را مختل می‌سازد.
- با نگاهی به تعاریف بحران، می‌توان شاخص‌ها و خصوصیات زیر را در مفهوم‌یابی و مفهوم‌سازی بحران مشاهده کرد:
۱. بحران نسبی، ذهنی، وابسته به ادراک میزان تهدید از محیط است.
 ۲. بحران، نقطه عطف رویدادهاست.
 ۳. بحران، وجود تهدیدهای جدید و ناشناخته‌ای است که ظرفیت‌های سیستم، قدرت پاسخگویی به آن را ندارند. بحران موجب کاهش کنترل شده و سیستم‌های کنترل موجود و پاسخگویی آن نخواهد بود (ربیعی، ۱۳۸۶: ۲۵).

اینترنت

برای تبیین فضای مجازی ناشی از فرایند ارتباطی جدید، به دو مفهوم فضای مجازی و اینترنت اشاره می‌کنیم.

فضای مجازی عمدتاً پارادایمی را ایجاد کرده که مخاطبان با دو جهان واقعی و مجازی روبه‌رو شده‌اند. در این پارادایم، تأکید عاملی بر وجود یک جریان جهانی شدن مجازی در کنار جریان جهانی شدن در جهان واقعی است (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۷۴-۱۴۲). پارادایم دوج جهانی شدن‌ها در درجه اول به تبیین دو جهان متفاوت و در عین حال درهم‌تنیده، و در مرحله بعد به جهانی شدن‌های متکثر در این دوج جهانی شدن می‌پردازد. بر این اساس، دو جهان مجازی و واقعی مانند دوقلوهای چسبیده، یکدیگر را بازنمایی و حتی بازتولید می‌کنند. از نگاه عاملی، مهم‌ترین تغییر جهان معاصر، که بنیان تغییرات جهان معاصر را می‌سازد، رقابت جهان واقعی با جهان مجازی است. در واقع این واقعیت که جهان مجازی پدیده‌ای نوین است، باعث شده ظرفیت‌های این جهان کمتر از میزان واقعی ارزیابی شود؛ حال آنکه عاملی معتقد است جهان مجازی به موازات و گاه مسلط بر جهان واقعی ترسیم می‌شود و عینیت می‌یابد و این دو جهان از یک رابطه «انعکاس هندسی» برخوردارند.

جهان اول با ویژگی جغرافیامندبودن، حفظ کردن نظام سیاسی مبتنی بر دولت - ملت، طبیعی - صنعتی و محسوس بودن و احساس قدمت داشتن با جهان مجازی متمایز می‌شود. جهان مجازی، بی‌مکان، فرازمان، صنعتی محض، دسترس‌پذیر و بی‌اعتنا به محدودیت‌های دولت - ملت‌هاست. بدیهی است که تقسیم‌بندی جدید جهان با تقسیم‌بندی‌های پیشین، مثل شمال - جنوب و توسعه‌یافته و درحال توسعه منطبق نیست. بدین ترتیب، جهان با شرایط جدیدی مواجه می‌شود که در گذشته فاقد نمونه مشابه است. بسیاری از متفکران معاصر جهانی شدن را فرایندی دانسته‌اند که به «زلزله ژئوپولیتیک» (رابرتسون، ۱۹۹۳)، «بحران فرهنگی و اجتماعی» (تاملینسون، ۱۹۹۹)، «پایان تاریخ» (فوکویاما، ۱۹۹۱)، «پایان جهان» (بورديو، ۱۹۹۹)، «گم کردن بنیادین جهت» (ویریلیو، ۲۰۰۱)، «جامعه ریسکی» (بک، ۱۹۹۹)، «جهان رهاشده» (گیدنز، ۱۹۹۹)، «جامعه در حال بن‌بست» (باومن، ۲۰۰۲) «اضطراب بزرگ» (زوبوف، ۲۰۰۱) منجر می‌شود (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

عاملی (۱۳۸۳: ۵۵) به وابستگی متقابل دو جهان مجازی و واقعی اشاره می‌کند: تعامل فردی و اجتماعی در قلمروهای زیادی متکی به «تعامل‌های دوج جهانی» می‌شود و

ما در واقع «دوج جهانی شدن‌های به هم چسبیده» را مشاهده می‌کنیم. آموزش و پرورش آینده، نظام‌های تجاری و بانکی حال و آینده، نظام‌های کنترل شهر و شهرسازی، حتی پزشکان جهان آینده برآیند تعامل پیوندخورده این دو جهان است.

اینترنت، اصلی‌ترین عامل تشکیل‌دهنده فضای مجازی، شناخته می‌شود. یکی از اتفاقات مهم در پایان هزاره دوم، ظهور فناوری‌های ارتباطی است که برجسته‌ترین آن اینترنت است.

در واقع اینترنت جهانی عریض است؛ شبکه در دسترس از کامپیوترهای متصل به هم و یک چارچوب شبکه‌ای که شامل میلیون‌ها شبکه کوچک‌تر خانگی، دانشگاهی، تجاری و دولتی می‌شود که اطلاعات و خدمات مختلفی را به یکدیگر می‌رسانند؛ مانند ایمیل، چت، انتقال فایل و صفحه‌های وب لینک شده به هم (بل^۱، ۲۰۰۳: ۱۶۴).

این روش جدید ارتباط به وسیله ویژگی‌هایی، مثل گمنامی کاربر، نبود ارتباطات غیرکلامی، جدایی فیزیکی و قابلیت انعطاف جسمانی مشخص شده است (فلیکس^۲ و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۶۷۴-۱۶۶۰).

فضای آزاد اینترنتی محل حضور میلیون‌ها کنشگر است که می‌توانند با تفسیرهای نمادین در اینترنت: ۱. به کنش فردی و جمعی متقابل بپردازند؛ ۲. در اجتماعات مجازی حضور سایبری داشته باشند؛ ۳. گروه مجازی تشکیل بدهند؛ ۴. با افراد دیگری که از اینترنت استفاده می‌کنند به بحث آزاد در مورد موضوعات گوناگون بپردازند.

اینترنت از طریق پست الکترونیکی، ارتباط بین فردی و گروه‌های بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر را تسهیل و نیز دسترسی به اطلاعات را - عمدتاً از طریق وب - ممکن می‌کند. اینترنت حتی هنگامی که به صورت مدل یک به چند عمل می‌کند، دارای قابلیت است که اساساً آن را با دیگر رسانه‌های گروهی متمایز می‌کند - اینکه همواره دارای پتانسیل تعاملی است. همین قابلیت تعاملی است که زمینه پیدایش گروه‌های مجازی، جنبش‌ها و در نتیجه تغییرات اجتماعی و سیاسی متعاقب را برای آن فراهم می‌کند (دارنلی، ۱۳۸۴: ۴۷).

می‌توان گفت اینترنت صحنه فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد. در این فضای عمومی، مهارت فرهنگی جدیدی لازم است تا با تنظیمات نمادین بتوان بازی کرد. یکی از جنبه‌های اینترنت، ورود بی‌هویت در آن است. نوجوانان در صحنه اینترنت، برای ایفای

1. Bell

2. Felix

هر نقشی فرصت پیدا می‌کنند. البته خصیصه مثبتی که در این کار هست، مجالی است که برای بروز و ظهور نوجوانان پیدا می‌شود. اینترنت فضای آزاد گلخانه‌ای را ایجاد می‌کند که معلمان و مراجع قدرت به آن دسترسی داشته و بر آن تأثیر می‌گذارند. امکان خصوصی‌بودن امور، نکته‌ای است که کاربران جوان اینترنت بر آن تأکید دارند. اینترنت به نظر این جوانان، جانشین فضای عمومی می‌شود و خود این جوانان درباره کنترل و کاربرد آن اطلاعاتی کسب می‌کنند. این فضای جدید که عمدتاً توسط کاربران ساخته می‌شود، احساس مشارکت بیشتری به نوجوانان می‌دهد (نک: راورد راد، ۱۳۸۴: ۹۲-۷۳).

بحران هویت

پیش‌تر ادبیات نظری بحران هویت مربوط به بحران‌های جامعه صنعتی است. از عوارض مهم «دوران گذار» در جوامع صنعتی، بحران هویت شمرده شده است. هرچند این بحران دارای دیرینگی در جوامع بشری است، دوران صنعتی با تحولات سریع خویش این بحران را مشخص و قابل لمس نمود. ناسیونالیسم و قومیت، خرده‌فرهنگ‌ها، ایدئولوژی سیاسی و هویت ملی از مفاهیمی است که در ادبیات تحقیقات بحران و بحران هویت مورد بحث قرار گرفته است.

آنچه امروز بر اهمیت این بحران در جوامعی شبیه ایران افزوده، ناشی از عوامل بحران‌زای فرایندهای ارتباطی است. در سه دهه اخیر، مجموعه‌ای از مفاهیم در خصوص بحران هویت در سطح خرد تا ملی و سطح جهانی به وجود آمده است. این مباحث در حال حاضر به‌طور یکپارچه با عنوان بحران هویت مطرح می‌شود.

از نظر لئونارد بایندر، بحران هویت بر مبنای ذهنی، ولی نه همواره احساسی به عضویت در یک جامعه سیاسی اشاره دارد (پای، و دیگران، ۱۳۸۰: ۹۲). ابتدایی‌ترین عوامل بحران‌ساز هویتی از تنش بین مفاهیم فرهنگی و روانشناختی، هویت شخصی، گروهی، تعریف سیاسی جامعه، ایستارها و ارزش‌های حاکم و تناقض‌های حاکم و تناقض‌های پیش‌آمده از هویت ذهنی و سایر هویت‌ها ناشی می‌شود. مشکل هویت در جوامع مختلف با روش‌های متفاوت بروز کرده و امروزه به یک نگرانی جدی در حوزه سیاست تبدیل شده است. به اعتقاد بایندر، بحران هویت ضرورتاً، بحران یک کشور نیست، بلکه بحران عصر ماست (پای، و دیگران، ۱۳۸۰: ۹۳). به هر ترتیب، جوامع امروزی در فرایند گذار خود از بحران‌های متعددی، از جمله مشارکت، مشروعیت، توزیع، نفوذ و هویت عبور می‌کنند. نکته حائز اهمیت، پیچیدگی این بحران در دوره

پساصنعتی است. این دوران با خصوصیات خاص خود که ناشی از فرایندهای ارتباطی نوین است، نوع جدیدی از بحران هویت را پیش روی جوامع (مانند ایران) قرار داده است. بحران هویت وقتی رخ می‌دهد که یک جامعه در یابد که آنچه تا کنون به‌طور در بست و بی‌چون و چرا به‌عنوان تعاریف فیزیکی و روانشناسانه «خودجمعی»^۱ اش پذیرفته است، تحت شرایط تاریخی جدید، دیگر قابل پذیرش نیست. از طرف دیگر، نیروهای تدریجی و غیرمهیجی، مانند گسترش ارتباطات جهانی، می‌تواند بنیان هویت یک جامعه سابقاً منزوی را از طریق آگاه‌سازی مردم آن جامعه از یک دنیای کاملاً نوین از لحاظ کنش سیاسی، متزلزل سازند (پای، و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

امروزه، در عرصه جامعه‌شناسی بحران هویت مسئله‌ای اجتماعی تلقی می‌شود. اریکسون از منظر علم روانشناسی بحران هویت را این گونه معنا می‌کند: بحران هویت یک آسیب روانی است و زمانی روی می‌دهد که فرد کشف کند به شیوه‌های مختلف و متفاوتی به خود می‌نگرد (ونگر^۱، بی‌تا).

جامعه‌شناسانی، مثل آنتونی گیدنز و مانوئل کاستلز این پدیده را در پرتو جهانی‌شدن که نتیجه توسعه ارتباطات انسانی است بررسی کرده‌اند. با وجود اینکه بسیاری از جامعه‌شناسان این پدیده را جهانی می‌نامند، پرواضح است که آثار و تبعات این پدیده در کشورهای مختلف، متفاوت است.

بحران هویت معضل عصر جدید است؛ به طوری که گیدنز می‌گوید: در جوامع سنتی و پیشامدرن، جوهره آدمی در مقام محصول و آفریده خداوند، امری ثابت و از قبل روشن و استوار بود و انسان، چنان که هایدگر معتقد است، تصویری بود که از چشم خداوند و خدایان دیده می‌شد و هویت او نتیجه و کارکرد نظامی مقتدر و از پیش تعیین شده، از باورهای دینی، آیینی و اسطوره‌ای بود (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۷ و ۱۴۸). به اعتقاد فیرحی (۱۳۸۳: ۹) وقتی مفاهیم جدید به درون شبکه معنایی جامعه نفوذ کردند، وضعیت همزمانی^۲ پیدا می‌شود و در چنین وضعی، باید مفاهیم جدید در مفاهیم گذشته حل شوند و در حالت تساوی قرار بگیرند. اما انسان‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه باعث ترجیحاتی می‌شوند که هویت‌ها را در تعارض با یکدیگر قرار می‌دهد و در پی این تعارض، بحران هویت در وضعیت همزمانی شروع می‌شود.

بر مبنای تعاریف هویت‌ها - که ذکر شد - از سه رویکرد عمده تبیینی می‌توان نام برد و تعاریف موجود را در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

1. Wanger

2. Synchronic

۱. رویکرد جوهرگرایانه یا ماهیت‌گرا: برای هویت‌ها جوهری ثابت قائل‌اند، هویت را چیزی می‌دانند که هستی فرد را معنا می‌دهد و در همه انسان‌ها ثابت و پابرجا وجود دارد.
۲. رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی: این رویکرد، هویت را برساخته اجتماع می‌داند. معنادار بودن هویت، بر ساختگی بودن آن دلالت دارد. معنا ذاتی اشیا و واژه‌ها نیست، بلکه نتیجه توافق یا عدم توافق است.
۳. رویکرد گفتمانی: هویت‌ها دستاورد گفتمان‌ها هستند و واقعیت اجتماعی در گفتمان‌ها زاده می‌شود و شکل می‌گیرد و وجودی خارج از گفتمان‌ها ندارد. از سوی دیگر، چون گفتمان‌ها سیال هستند، حقیقت‌محور نیستند؛ در نتیجه هویت نیز متغیر و دگرگون‌شونده است. این گونه است که هر انسانی استعداد برخوردار از چند هویت را دارد (نوپه فلاح، ۱۳۸۳: ۴۲).

به نظر می‌رسد برخی شاخص‌های هویت می‌تواند دارای جوهری ذات‌گرایانه باشند. اما بحران هویت از آنجا ناشی می‌شود که هویت‌ها در معرض اتفاقات بیرونی دچار تغییر و تحول می‌شوند؛ لذا نتایج این تعاملات و تحولات هویتی را با رویکردی قراردادی‌گرایانه و گفتمانی می‌توان تبیین کرد؛ به خصوص در دوران جدید وقتی هویت‌ها در معرض رسانه‌های نوین قرار می‌گیرند، شاهد وضعیتی هستیم که گویی به‌طور دائم پایه‌های معناساز آن‌ها دچار جا به جایی می‌شود، با این وصف با رویکردی قراردادی و گفتمانی می‌توانیم به بحران هویت در جوامع امروزی توجه کنیم.

بحران هویت در فضای مجازی

برای تبیین بحران هویت در فضای مجازی، توجه به یک نکته مهم ضروری است. جوامع در حال گذار، عمدتاً در حال سپری کردن و مواجه شدن با بحران‌های هویت دوره تاریخی خود - معادل با دوره صنعتی شدن اروپا - بوده‌اند. با این حال، به‌طور گریزناپذیر با پدیده‌های جهانی شده و فضای مجازی در فرایند ارتباطات نوین مواجه شده‌اند. دوره تاریخی جدید نیز همراه خود، نوعی از عناصر بحران‌زای هویتی را حمل می‌کند و مسئله کشورهای در حال توسعه از آنجا غامض‌تر می‌شود که این کشورها همزمان بدون طی دوره تاریخی خود بحران‌های تودر توی هویتی را تجربه می‌کنند که ناشی از روهم‌افتادگی دو دوره تاریخی است.

همان‌گونه که کاستلز از زارتسکی نقل می‌کند: «سیاست‌های مربوط به هویت را باید در جایگاه تاریخی خود بررسی کرد». یکی از عوامل مهم در تاریخ و جغرافیا، مؤلفه

فضای مجازی و قدرت آن است که نیروی قوام‌بخش هویت و بسیاری دیگر از پدیده‌ها و فراورده‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۷).

جهانی‌شدن نیز روندی تاریخی و دگرگونی‌ای مفهومی است که تغییرات و تحولاتی را در برداشت‌ها، باورها، اندیشه‌ها و سلیقه‌های ملت‌ها به‌همراه دارد و دامنه آن هویت فرهنگی را نیز فرا گرفته است (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۳). معیارهای هویت از این قرارند: استمرار در طی زمان و متمایز بودن با دیگران که هر دو عناصر اساسی در هویت ملی نیز می‌باشد (بامیستر، ۱۹۸۶: ۱۸). جهانی‌شدن و فضای مجازی به‌طور مداوم و گسترده با شیوه‌ها و داده‌های مختلف به‌نوعی دائماً در حال ایجاد تغییر در باورها، انگاره‌ها، عقاید، ارزش‌ها، چشم‌داشت‌ها و حتی نیازها هستند.

بسیاری معتقدند مهم‌ترین عامل هویت‌ساز، «معنا» است و این معناست که دائماً در عصر اطلاعات در حافظه تاریخی جوامع دستخوش تغییر، هر چند تدریجی، می‌گردد. کاستلز با توجه به اهمیت «معنا» در عصر اطلاعات و تلاش کنشگران مختلف اجتماعی جهت نیل به معنایی خاص، آن را در تقابل با مفهوم قدیمی «کارکرد» قرار می‌دهد که از سوی نهادهای مسلط اعمال می‌شود این هویت ناشی از هنجارهای اجتماعی است و وابسته به روابط و ترکیب و چینش افراد، نهادها و سازمان‌های جامعه است: «هویت منبع معنا برای خودکنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود.» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳) کاستلز سه نوع منشأ برای هویت‌ها قائل است که عبارت‌اند از:

۱. هویت مشروعیت‌بخش: «این نوع هویت توسط نهادهای جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آن‌ها را بر کنشگران اجتماعی گسترش دهد و عقلائی کند.»
۲. هویت مقاومت: «این هویت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود» که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شود و یا داغ‌ننگ بر آن‌ها زده می‌شود.» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۴) در واقع این هویت مبتنی بر دو مکانیزم و رویه «منطق تمایز» و «ارزشگذاری وارونه» به مقابله با ارزش‌های غالب و طرح ارزش‌ها و هنجارهای خویش دست می‌یازند.
۳. هویت برنامه‌دار: «هنگامی که کنشگران اجتماعی با استفاده از هرگونه مواد و مصالح فرهنگی قابل‌دسترس هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند، این نوع هویت تحقق می‌یابد.» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۴) برای مثال فمینیسم که فراتر از

درخواست حقوق زنان در پی به چالش کشیدن ساختارهای بنیادین پدرسالاری بر آمد تا برابری زنان و مردان را به صورتی عمیق تر و گسترده تر محقق سازد. در مورد اینکه چگونه بحران هویت در سطح فردی ناشی از فضای مجازی شکل می‌گیرد، با توجه به نظریه دوجوانی شدن‌ها در کنار هویت واقعی افراد، می‌توان از هویت‌های مجازی سخن گفت که هر شخص که با محیط‌های اجتماعی و مجازی ارتباط دارد، می‌تواند آن را داشته باشد. اگرچه هویت مجازی، هویت غیرواقعی تلقی می‌شود، بعضی اوقات نیز ممکن است هویت واقعی یا مثل آن باشد.

هویت در محیط مجازی به طور مشخص متفاوت با هویت در محیط واقعی است؛ زیرا تفاوت بین محیط‌ها وجود دارد. شخص مختار است از هویت واقعی‌اش در محیط مجازی استفاده کند یا نکند. در محیط مجازی، شخص هویتش را در مسیری شکل می‌دهد که او می‌خواهد آن را در مقابل دیگران به نمایش بگذارد. به عبارت دیگر، او هویتش را به دیگران تحمیل می‌کند.

تامبا سه ویژگی اینترنت را بیان می‌کند: به هم فشردگی فضا - زمان، حس نکردن مکان و محدوده‌های محوشده و جماعت تغییر یافته، باید توجه داشته باشیم که ضروری است هر انسانی در یک فضا یا زمان خاص قرار گرفته باشد (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۱).

هویت نقشی کلیدی را در ارتباطات مجازی ایفا می‌کند. بعضی مدعی‌اند توانایی استقرار یک هویت بدون بدن و مستقل از ارزشمندترین جنبه‌های فرهنگ آن لاین است که به مردم اجازه می‌دهد نقش‌ها و روابطی را که به گونه‌ای دیگر هستند، جست‌وجو کنند؛ اما دیگران ادعا می‌کنند گمنامی، بی‌مسئولیتی و رفتار خصومت‌آمیز را تشویق می‌کند (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۱).

به عقیده مارک پوستر، واقعیت مجازی امکان انواع تجارب ذهنی را فراهم می‌سازد که می‌توانستند انواع مدرن سلطه را منقطع یا متوقف کنند. توانایی واقعیت مجازی در فراگرد خودش نهفته است و اشخاص می‌توانند در یک محیط با واسطه کامپیوتری خاص، خود و جهان را بازسازی کنند. بنابراین، واقعیت مجازی و کارکردهای این راه، می‌تواند در جهت غیرطبیعی کردن فرضی درباره هویت‌های طبیعی داده شده عمل کند. در اتاق‌های گفت‌وگو مجازی مردم می‌توانند دقیقاً «به چیزی که آن‌ها می‌خواهند باشند» یا «دقیقاً چطور می‌خواهند مردم دیگر آن‌ها را ببینند» تبدیل شوند (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۲).

بحران هویت مجازی هنگامی رخ می‌دهد که فرد به واسطه امکان تغییر در هویت

واقعی در فضای مجازی با معانی و هویت جدیدی رو به رو شود که ساخته خود اوست و همزمان در کنار هویت واقعی قرار می‌گیرد و در صورتی که این دو هویت از یکدیگر فاصله زیادی داشته باشند، به‌خصوص که فرد بتواند به‌واسطه هویت مجازی برخی اعمال خلاف هنجار اجتماعی را انجام دهد، بحران هویت مجازی شکل می‌گیرد. در مبحث بحران هویت، گاهی همزمان با مفاهیم ذهنی یک جامعه یا فرد، مفاهیم جدیدی به داخل شبکه معنایی آن‌ها نفوذ و وضعیت هم‌زمانی ایجاد می‌کند که اگر مفاهیم جدید در مفاهیم گذشته حل نشود یا در وضعیت تساوی قرار نگیرد، بحران هویت پیش می‌آید. حال با توجه به اینکه فضای مجازی، فضایی است که در آن، فرد امکان خلق هویت جدید برای خود دارد، بالقوه با یک بحران هویت روبه‌روست که در وضعیت‌های مختلف می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد.

ماهیت مکان و فضا در دنیای دیجیتال کاملاً دگرگون شده است. امروز، دنیای واقعی با دنیای مجازی چنان در هم فرو رفته که تفکیک آن دو بسیار دشوار شده است. زمان، مفهوم مکانمند گذشته را ندارد. فرهنگ‌ها به‌شدت در هم ادغام شده و خلوص مکانی و زمانی دیروز خود را از دست داده‌اند. بنابراین، طبیعی است که هویت در بند مکان - زمان و فرهنگ مکانمند و زمانمند در فضای جدید دچار بحران شود (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۳۷). شاید بتوان بحران‌های ناشی از گمنامی را در دو دسته تقسیم کرد: یک دسته بحران‌های کلی ناشی از مواجهه انسان با فضای مجازی است که از آن به اضطراب دیجیتال یاد می‌کنند و دوم، بحران‌های ناشی از هویت‌های مجازی.

عاملی، اضطراب را به سه دوره: اضطراب طبیعی، صنعتی و دیجیتالی تقسیم می‌کند. اضطراب دیجیتال اصطلاحی است که دیوید ترند در مورد مفهوم دیجیتال مطرح کرده است. اضطراب دیجیتال در واقع اضطرابی است که ناشی از ظهور صنعت ارتباطات همزمان و انفجار اطلاعات و مواجهه با انبوهی از دانستی‌ها و ندانستی‌هاست که انسان را گرفتار ناتوانی در مدیریت ارتباط و بی‌تعدلی هم در حوزه ارتباطات درون فردی و هم در حوزه ارتباطات بین فردی می‌کند که جهان بیرونی و عینی انسان را تشکیل می‌دهد. وی ادامه می‌دهد: جهان مجازی درون خود، انسان را با فضاهای جدیدی مواجه کرده است که برای بعضی قابل فهم است و برای بخش عظیمی، جمعیت جهان منشأ گم‌گشتگی، غربت، تنهایی، تضاد و سردرگمی است. علاوه بر این، عدم انطباق جهان مجازی با جهان واقعی زمینه‌ساز اضطراب‌های جدیدی است که در گذشته تجربه نشده است (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

بحران‌های ناشی از هویت‌های ساختگی با توجه به اینکه فرد معمولاً امکان انتخاب هویت‌های دیگری دارد که در نظر دیگران مطلوب‌تر یا خاص‌تر جلوه می‌کند، به وجود می‌آید. در این صورت، فرد هنگام استفاده از امکانات ارتباطی مجازی، هویت واقعی خود را که در سراسر زندگی واقعی با آن درگیر است، کنار می‌گذارد و با هویت جدیدی مواجه می‌شود. به این ترتیب، معناهای جدیدی وارد ذهن فرد می‌شود و هویت جدیدی در کنار هویت واقعی و قدیم او قد علم می‌کند که ذهن فرد را درگیر و دچار بحران می‌کند؛ زیرا این دو هویت در وضعیت همزمانی قرار می‌گیرند و فرد نمی‌تواند به راحتی مفاهیم و خصایص هویتی جدید را با هویت قدیمی و همیشگی‌اش تطبیق دهد و یا اساساً ممکن است میان آن‌ها تعارض پدید آید. این بحران احتمالاً خستگی، تنش، فشار عصبی و ناکامی را برای فرد به همراه می‌آورد. این بحران به خصوص برای کسانی به شکل جدیدتر مطرح می‌شود که تغییرات هویتی فراوان در فضای مجازی برای خود ایجاد می‌کنند و تطابق و هماهنگ کردن این تغییرات با هویت واقعی برایشان دشوارتر می‌شود. همچنین کسانی که در جهان واقعی امکان برخی رفتارهای ناهنجار اجتماعی یا ارتباطات خاص را ندارند، در این فضا این امکان را به دست می‌آورند و ممکن است در وضعیتی قرار گیرند که اعمال آن‌ها در قالب هویت مجازی با نرم‌های اجتماعی زندگی واقعی به شدت در تعارض باشد؛ به این ترتیب، دچار بحران بزرگ‌تری خواهند شد (خلقتی، ۱۳۸۷: ۳).

اینترنت و بحران هویت در ایران

در بررسی بحران هویت ناشی از اینترنت در ایران، نمی‌توان بحران‌های هویتی ناشی از دوران گذار جامعه ایران را نادیده انگاشت. به اعتقاد نگارنده، جامعه ایران امروز با دو گونه بحران هویتی با دو منشأ و علل مختلف روبه‌رو است. مطالعات گسترده در خصوص بحران‌های دوران صنعتی شدن در جوامع مختلف نشان می‌دهد این گونه جوامع در معرض بحران‌های ناشی از تغییرات ساختاری در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاست و اجتماع قرار می‌گیرند. جامعه امروز ایران در عین حال که بحران‌های هویت ناشی از یک دوره تاریخی را با خود حمل می‌کند، در سه دهه اخیر با بحران‌های دوره تاریخی فراصنعتی - بدون آنکه به طور طبیعی وارد این دوره شده باشد - نیز روبه‌رو شده است. با توجه به خاصیت و کارکردهای فناوری‌های نوین ارتباطی به خصوص اینترنت، ورود آثار کنترل‌ناپذیر و بحران‌زای این دوره از سوی

حاکمیت به سهولت صورت گرفته و عواقب ناشی از آن وارد جامعه امروز شده است. این شرایط در مجموع وضعیتی را پدید آورده است که می‌توان گفت در حال حاضر، با نوعی از بحران‌های هویت هم‌پوشان مواجه هستیم.

استفاده از اینترنت در میان ایرانی‌ها به‌طور غیرقابل باور افزایش یافته و بررسی‌ها نشان می‌دهد این روند کماکان ادامه دارد. اینترنت، به‌ویژه در میان جوانان ایرانی شیوع زیادی دارد و فاصله آن با سایر نسل‌های قدیم‌تر فاحش می‌باشد.

بنابر این، عجیب نیست که بیشتر تحقیقات انجام‌شده در مورد اینترنت (نک: شاقاسمی، ۱۳۸۷) نشان می‌دهد اکثریت کاربران اینترنت در ایران به نسل جوان تعلق دارند. وجود بیش از ۱۱ میلیون کاربر اینترنت در ایران (نک: شاقاسمی، ۱۳۸۵) نشان می‌دهد جوانان نسل انفجار جمعیت به‌خوبی خود را با شرایط روز جهان وفق داده‌اند، در حالی که ایرانیان در تحقیقی که دانیل لرنر در حدود پنج دهه پیش انجام داده بود، در میان شش کشور خاورمیانه، رتبه آخر را در میزان استفاده از رسانه‌ها کسب کرده بود (نک: معتمدنژاد، ۱۳۷۱).

بررسی‌ها حاکی است که میزان استفاده از اینترنت در مناطق محروم به‌شدت رو به گسترش می‌باشد. پیمایش صورت‌گرفته در سال ۱۳۸۷ (مولائی فرسنگی، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۹۸) در استان گلستان نشان می‌دهد ۵۵ درصد افراد تشیع در برنامه روزانه از اینترنت استفاده می‌کنند؛ این رقم با توجه به نبود زیرساخت‌های ارتباطی در مناطق مرزی قابل توجه است. همچنین ۹۰ درصد افراد اهل تشیع در برنامه‌های روزانه خود از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. این پیمایش نشان می‌دهد ۳۲ درصد افراد اهل تسنن به‌طور روزانه از اینترنت استفاده می‌کنند. این رقم نیز با توجه به وجود محرومیت در منطقه و نیاز به وسایل رسانه‌ای خاص برای استفاده از اینترنت، درصد چشمگیری است.

بنابر یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران اینترنتی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از اینترنت، از جمله مسائل هویتی و بحران هویتی قرار می‌گیرند.

فارغ از شکاف‌های به‌وجود آمده ناشی از فرایند رسانه‌های نوین، شکاف نسلی موجود ناشی از تحولات ساختاری و جمعیتی جامعه ایران باعث شده است انتقال ارزش‌ها و آموزه‌ها در قالب سنت از نسلی به نسل دیگر با اختلال روبه‌رو شود. این پدیده از یک سو، به روند انتقال فرهنگ آسیب می‌رساند و از سوی دیگر، حافظه

تاریخی را مختل می‌سازد و بدین ترتیب، انتقال تجربیات سیاسی و فرهنگی دوره‌های پیشین به زمان حاضر با دشواری انجام می‌شود.

بررسی آماری نسل‌ها نشان می‌دهد از ۶۰/۰۵۵۴/۴۸۸ نفر جمعیت ایران در سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود ۶۰/۰۴ درصد به نسل سوم، ۳۱ درصد به نسل دوم و ۸/۹ درصد به نسل اول تعلق دارد و سن ۶ درصد نیز مشخص نشده است. بررسی جمعیت نسل‌ها از نظر وضع سواد نشان می‌دهد از کل جمعیت باسواد ۴۱/۵۶۷/۱۵۴ نفر کشور، ۶۳/۹ درصد به نسل سوم، ۳۲/۷ درصد به نسل دوم و ۳/۴ درصد به نسل اول تعلق دارد (شرفی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

استفاده از اینترنت تأثیرات عمیق بر ارزش‌های جوانان داشته و موجب شده نیازهایی که قبلاً توسط خانواده بر طرف می‌شد، امروزه از سوی این رسانه جدید مرتفع گردد؛ مثلاً در گذشته دوست‌یابی تحت نظر والدین صورت می‌گرفت؛ اما امروزه برخی جوانان با استفاده از سیاست‌های دوست‌یابی، گفت‌وگو (چت) و امثال آن‌ها قادرند با افراد گوناگون و با فرهنگ‌های مختلف آشنا شوند. کاربران اینترنت بر خلاف نسل اول که در فضایی واقعی و حقیقی فعالیت می‌کردند، امروزه در فضایی مجازی مشغول هستند. بر همین اساس، بسیاری از کارکردهای خانواده در جامعه‌پذیری افراد به‌وسیله این رسانه تعاملی در محیطی مجازی صورت می‌گیرد (بوربور، ۱۳۸۳: ۵۶).

ویژگی گمنامی در اینترنت، به جوانان ایران امکان می‌دهد تا بدون هراس از عواقب اجتماعی، مسائل عقیدتی، عاطفی و پزشکی خود را با مشاوران در میان بگذارند. مهدوی (۱۳۸۳: ۱۱۰) نشان می‌دهد ایرانیان، به سؤالات حساسیت‌برانگیز - مثلاً در مورد روابط جنسی - در اینترنت خیلی راحت‌تر از فضای واقعی پاسخ می‌دهند. پیمایش ملی سال ۱۳۸۴ سازمان ملی جوانان هم نشان می‌دهد اینترنت در میان جوانان که از آن استفاده می‌کنند، مورداستفاده‌ترین رسانه است.

علاوه بر تأثیرات هویتی اینترنت بر جوانان ایرانی، فضای مجازی و اینترنت، آرام آرام کارکرد برخی حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؛ برای مثال اینترنت توانسته است در حوزه دین هم وارد شود و با وجود مخالفت‌های برخی نهادهای سنتی درخصوص رواج اینترنت، امروزه شاهد هستیم که برخی از مراجع، روحانیون حوزه علمیه و حتی استشهادیون، دارای وبلاگ‌ها و وب سایت‌های رسمی هستند (تاریوردی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

روابط اینترنتی سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهند (منتظرقائم، و تاتار، ۱۳۸۴: ۲۷۰-)

۲۵۱؛ بست، و کروگر، ۲۰۰۶). با توجه به رشد فزاینده تعداد کاربران اینترنت، تعداد اجتماعات مجازی و روابط اجتماعی جدیدی که از طریق فناوری اینترنتی ایجاد می‌شوند، دائماً در حال افزایش بوده است (فلاناجین، و متزگر، ۲۰۰۱؛ نی، ۲۰۰۱؛ ماتئی، ۲۰۰۴؛ لین، و لی، ۲۰۰۶).

یکی از کارکردهای اینترنت در برخی جوامع، حرکت بر ضد جریان مسلط ارتباطی است. پژوهشی از سوی سازمان ملی جوانان با حضور بیش از ۵۰۰ دانشجوی دانشگاه‌های سطح شهر تهران در سال ۱۳۸۳ نشان‌دهنده آن است که حدود یک‌سوم از دانشجویان از طریق اینترنت با جریان‌های فکری ارتباط برقرار می‌سازند. دانشجویان اینترنت را خبرگزاری آزاد بدون محدودیت پذیرفته‌اند. آنان در مقایسه دیگر گروه‌های اجتماعی، از امتیاز داشتن تخصص لازم بهرمنند هستند.

وقتی جوانان ایرانی از اینترنت برای مقاصد، مثل معرفی خود استفاده می‌کنند، قطعاً وابستگی و اعتماد آن‌ها به اینترنت هم بیشتر از سایر نسل‌ها خواهد بود. ضمن اینکه برخی تحقیقات نشان می‌دهند در ایران، جوانان اعتماد بیشتری به اخبار اینترنت دارند که این بیانگر آن است که ممکن است در آینده این اعتماد در کل کشور بیشتر شود (دهقان، ۱۳۸۵: <<http://dcsfs.ut.ac.ir/gmj/index.asp>>).

تحقیقات بیانگر آن است دوستی‌های مجازی در میان کاربران ایرانی رو به افزایش بوده و جوانان ایرانی در خانواده‌های سنتی ترجیح می‌دهند در فضای کم‌دردسر و غیرقابل کنترل مجازی با جنس مخالف خود ارتباط برقرار کنند. در این زمینه، تحقیقاتی با روش مصاحبه کیفی در جامعه آماری محدود در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران صورت گرفته است. این تحقیق هر چند غیرقابل تعمیم است، نشانه‌ها و میزانی از بحران روابط را می‌تواند نشان دهد (رضانیا، ۱۳۸۷: ۱۷).

در تحقیقی که توسط رفعت‌جاه و شکوری (۱۳۸۷) با روش پیمایشی و فنون پرسشنامه و مصاحبه از دختران و زنان شهرستان سنندج برای تبیین تأثیر فضای مجازی با تأکید بر اینترنت و هویت صورت گرفته، تفاوتی معنادار میان دو گروه برخوردار از این امکانات و فاقد این امکانات مشاهده می‌شود؛ بدین معنا که هویت قومی کسانی که از اینترنت استفاده می‌کنند ضعیف‌تر از کسانی است که از این وسیله استفاده نمی‌کنند.

جدول شماره ۱: آزمون مقایسه میانگین‌های مربوط به هویت قومی در دو گروه مورد مطالعه

گروه مورد مطالعه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد	سطح معناداری
استفاده از اینترنت	۱۹۵	۳/۲۲	۱/۱۴۹	۰/۰۸۲۱	۰/۰۰۵
عدم استفاده از اینترنت	۱۹۵	۳/۴۷	۰/۴۶۶	۰/۰۳۳۴	

دربارۀ تأثیر فضای مجازی بر هویت‌های قومی نظرات مختلفی را می‌توان بیان کرد. بنابر یک نظر، هویت‌های قومی در نهایت در دل هویت جهانی هضم خواهند شد و این روند به مرور به حذف هویت‌های ضعیف‌تر منجر می‌شود. برخی نظریه‌پردازان، ملی‌گرایی را - که یکی از عناصر اصلی دولت ملت‌های نوین را تشکیل می‌دهد - آسیب‌پذیر تلقی می‌کنند. با ضعیف شدن ملی‌گرایی وحدت‌بخش، بحران هویت پدید می‌آید و آثار سیاسی را به دنبال خواهد داشت.

به نظر لوسین پای، چهار شکل اصلی از بحران هویت وجود دارد: اولین نوع بحران یادشده با احساسات سرزمین و رابطه فضای جغرافیایی با احساسات ناسیونالیستی ارتباط می‌یابد. دومین شکل آن، وقتی رخ می‌دهد که ساختار اجتماعی و به‌ویژه تقسیمات طبقاتی چنان گسترش یابد که مانع وحدت ملی کارآمد گردد. سومین صورت آن، با تعارض بین هویت‌های قومی یا دیگر هویت‌های فروملی و تعهد به یک هویت ملی مشترک سروکار دارد. چهارمین شکل بحران بر اثر پیامدهای روان‌شناسانه، تغییر اجتماعی سریع و احساسات دوگانه نسبت به بیگانگان ایجاد می‌شود. این نوع بحران هویت، عموماً شکل احساسات عمیقاً مختلط راجع به جهان مدرن و سنت‌های تاریخی یک فرد را به خود می‌گیرد (پای، و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

بر اساس نظریه دوم، مبانی معناساز هویت آنچنان تغییر می‌یابند که هویت‌های متفاوت در جامعه رخ می‌دهد و ساختار اجتماعی، به‌ویژه تقسیمات طبقاتی (ساختار اجتماعی) چنان تغییر می‌کنند که نوعی بحران هویت در سطح فردی و ملی بروز می‌یابد. از جنبه دیگر، موضوع هویت‌های فروملی^۱ مطرح می‌باشد. امکان رشد هویت‌های فروملی و کم شدن تعهد آن‌ها به یک هویت ملی مشترک محتمل‌تر شده است و نوعی بحران تعارض هویتی را در مرزهای ملی متصور می‌سازد.

به نظر می‌رسد هرچند در نتیجه فرایند جهانی‌شدن، فرهنگ‌ها به تداخل و آمیزش با یکدیگر تمایل پیدا می‌کنند، شاهد فرایندی هستیم که طی آن معدودی از فرهنگ‌ها

1. Subnational

می‌توانند در تقسیم‌بندی «فرهنگ‌های جهانی» قرار گیرند؛ در حالی که اکثریت فرهنگ‌ها در گیر مبارزه‌ای پایان‌ناپذیر و جهانی برای دفاع از حق سرنوشت خود هستند. تمبروک در این زمینه اظهار می‌کند: «برخلاف اعصار گذشته که تنها فرهنگ‌های معدودی در لبه مرزهای جغرافیایی خود با یکدیگر درگیر می‌شدند، اکنون تحولات مدرن از طریق حضور و نفوذ جهانی خود، تمامی فرهنگ‌ها را وارد شبکه‌هایی نموده‌اند که اعضای آن ارتباط تنگاتنگ و متقابلی با یکدیگر دارند. به نظر می‌آید ارزش‌های هویت‌ساز در فضای جهانی آنچنان گسترش می‌یابند که هویت‌های ملی را تحت تأثیر قرار داده، پدیده‌ای با عنوان هویت جهانی به وجود می‌آورند. هر چند این نظریه، امروز قدری اغراق‌آمیز است، برخی از شواهد را در این جهت می‌توان مشاهده کرد.

فعالیت‌های نخبگان و گروه‌های قومی از طریق اینترنت نوعی ارتباط فرامرزی را به وجود آورده، پیوندهای قومی خارج از چارچوب سرزمینی را دامن می‌زنند. تحقیق صورت گرفته (عیاری، ۱۳۸۴) از اقوام مرزنشین ایران نشان می‌دهد اقوام از اینترنت برای شکوفا نمودن خود بهره‌برداری می‌کنند.

گستره بحران هویت به موارد یادشده محدود نمی‌شود. نوعی از بحران هویت که خاص فضای مجازی است، مربوط به تغییر اجتماعی سریع است. بر اثر ارتباطات این چنین و تعامل با فضای مجازی، سنت‌های قدیمی به سرعت در حال سست شدن بوده و احساس سردرگمی هویتی در تعدادی از گروه‌های اجتماعی شکل گرفته است.

پدیده مهم دیگری که از بحران هویت به وجود می‌آید، ترکیبی از بحران هویت فردی و اجتماعی است. شواهد نشان می‌دهد وقتی افراد در معرض فضای مجازی قرار می‌گیرند، به نوعی از دگرخودپنداری از خویش مبتلا می‌شوند. این پدیده که در روانشناسی از آن به بیماری امپاتی^۱ یاد می‌شود، وضعیتی پدید می‌آورد که افراد در فضای مجازی، خود را در شرایطی ایده‌آل و دست‌نیافتنی‌تر تعریف می‌کنند و در مواجهه با واقعیت دچار نوعی بحران می‌شوند. به نظر می‌رسد این بحران، پایه‌ساز بحران‌های سیاسی و اجتماعی در جوامع در حال توسعه می‌باشد.

دین یک واقعیت اجتماعی است که بخشی از هویت بسیاری از انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. دین، از نخستین جوامع انسانی تا به امروز، عنصر اساسی و بنیادین در هر اجتماع انسانی بوده و یکی از اصلی‌ترین محورهای صف‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌ها در درون جوامع یا تمایز ملل با یکدیگر به شمار می‌آمده است. از نظر گیدنز «کمتر کسی

1. Empathy

در این جهان هست که هرگز تحت تأثیر احساسات مذهبی قرار نگرفته باشد» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۱۳) و «هیچ جامعه‌شناسخته‌شده‌ای نیست که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۱۴). دین در جایگاه یکی از مقوله‌های حیات بشری و مهم‌ترین آن، راه خود را به فضای مجازی نیز باز کرده است. از این رهگذر، صنعت ارتباطات و به‌خصوص فضای مجازی، فرصت‌ها و تهدیدهایی را در اختیار افراد و هویت‌های دینی قرار داده است. از یک سو، ارتباطات و فضای مجازی امکان تعامل میان ادیان را ایجاد می‌کند و با تکیه بر مشترکات ادیان، نوعی همگرایی پدید می‌آورد؛ فرصت‌هایی چون شناخت ضعف‌های فرهنگ دینی خود و در نتیجه زدودن آن‌ها، شناخت قوت‌ها در فرهنگ دینی دیگران و سعی در بهره‌مندی از آن‌ها و همچنین جذب و هضم آن‌ها، متناسب با جامعه دینی خود را در اختیار دین‌داران قرار می‌دهد. از سوی دیگر، ارتباطات، زیان‌ها و بحران‌هایی را متوجه دین‌داران می‌کند؛ از جمله تأثیرات منفی ارتباطات بر هویت‌های دینی، واگرایی دینی و کمرنگ شدن دین در زندگی مردم است. نسبت‌گرایی، بی‌اعتنایی به فرهنگ خودی و آمیختن غیرمنطقی عناصر مختلف ادیان با هم که منجر به ظهور معجون دینی‌ای ناهمگن می‌شود» (راسخی، ۱۳۸۴: ۲۴۹-۲۴۲). در اینجا ذکر این نکته خالی از فایده نمی‌باشد که تأثیر ارتباطات در ایجاد بحران هویت در دین‌داران و افراد جوامع دین‌دار بنا بر اینکه جزء کدام دسته از اقسام هویت‌ها باشند، متفاوت است. پرواضح است که افراد دارای هویت مغشوش و زودرس بیشتر از سایرین، از صدمات ناشی از چنین بحران‌هایی آسیب خواهند دید.

نکته دیگر در این خصوص این است که در فضای مجازی پذیرفتن یک مذهب و ورود به حمایت‌های متعدد مذهبی هیچ مسئولیتی را برای فرد ایجاد نمی‌کند و فرد می‌تواند آزادانه در آن واحد با هویت‌های متعدد دینی، تعامل کند و هیچ قدرتی نمی‌تواند فرد را به پذیرش یک عقیده وادار کند (تاریوردی، ۱۳۸۳: ۳۷).

در گذشته، این نوع عقاید در خصوص مبانی دینی اگر در میان گروهی خاص شایع می‌شد، از همان گروه تجاوز نمی‌کرد؛ اما امروزه، صنعت ارتباطات و رسانه‌های ارتباطی چنین پدیده‌ای را جهانی می‌کند و کارکردهای مذاهب در دوران جدید را به چالش می‌کشد و سبب بروز بحران هویت دینی در افراد و جوامع می‌شود. همچنین در جهان امروز، با ایجاد امکان هر چه بیشتر تبادلات عقیدتی و دینی از طریق اینترنت، دیوارهای فاصله میان گرایش‌های مختلف عقیدتی بر چیده شده است.

در مورد بحران هویت دینی، نکته‌ای عمیق و قابل توجه وجود دارد و عدم توجه به

این نکته منجر به انحراف در تحلیل از بحران هویت دینی خواهد شد. پژوهش‌های تجربی بیانگر آن است که در حال حاضر، نسل سوم از جوانان ایرانی در سطوح بالایی به مؤلفه‌های معنا ساز، همچون دین، ملیت و خانواده علاقه‌مند هستند. در پژوهشی (آزادار ملکی، و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۶) نشان داده شده است ۹۴/۳ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که خدا در زندگی‌شان اهمیتی بسیار دارد و نیز ۴۰/۳ درصد در مقابل ۳/۶ درصد از نوجوانان و جوانان دارای تحصیلات متوسطه و دانشگاهی اظهار کرده‌اند که مذهب و خدا و نیایش با او در زندگی‌شان اهمیت دارد و دین به زندگی‌شان معنا بخشیده است. همین‌طور در تحقیق جامعی که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفته (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰) مذهب در زندگی ۹۷/۵ درصد از افراد دارای بیشترین اهمیت است؛ همچنین در تحقیق دیگری (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲) نشان داده شده است با توجه به اینکه ایرانی‌ها خانواده را مهم‌ترین نهاد اجتماعی می‌دانند، با این حال دیدگاه‌های جدیدی در مورد نقش خانواده‌ها کسب کرده‌اند. نتایج پیمایش‌های اشاره شده و سایر تحقیقات نشان می‌دهد اینترنت بر هویت دینی تأثیر گذاشته است؛ اما هنوز موارد اصولی و بنیادین دینی در میان جوانان دستخوش تغییر نشده است. ادراک جوانان ایرانی از نگاه سنتی به دین و خانواده تغییر کرده و نسل سوم در مقایسه با دو نسل گذشته برداشت‌های متفاوتی از رابطه دینی دارد. به عبارت دیگر، ارزش‌های بنیادی دینی کماکان مورد توجه بوده؛ اما میزان مذهبی‌بودن افراد تعدیل یافته‌تر شده است. توجه به این نکته در تفسیر تأثیر اینترنت بر هویت دینی مهم می‌باشد.

در خصوص هویت فردی، تحقیقات نشان می‌دهد فردگرایی، رجوع به عقل، نفی رفتار تبعی، اعتقاد به اینکه انسان توان درک و پیش‌بینی دقیق رفتار دیگران را دارد، اعتقاد به توان انسان‌ها در تسلط بر سرنوشت خود و نظایر این‌ها از شاخصه‌های هویتی تحول یافته می‌باشد. در این میان، استقلال طلبی، فزون طلبی، و تنوع طلبی جایگاهی خاص پیدا کرده است. نتایج یک نظرسنجی که در مورد فردگرایی در سال ۱۳۷۵ انجام گرفته بسیار جالب توجه است. یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد چگونه تحول بنیادین در نگاه و نگرش افراد رخ داده است. بر اساس این نظرسنجی:

۱. ۸۳/۵ درصد از پاسخگویان معتقدند هرکس باید بتواند روی پای خودش بایستد و ۸/۷ درصد از پاسخگویان معتقدند هرکس می‌تواند به دیگران اتکا کند.
۲. ۵۷/۱ درصد از پاسخگویان معتقدند کار کردن برای دیگران تا جایی خوب است که

- خود انسان ضرر نکند و ۲۰/۱ درصد از پاسخگویان معتقدند باید برای دیگران کار انجام داد، حتی اگر خود آدم ضرر کند.
۳. حدود ۶۰/۹ درصد از پاسخگویان معتقدند برای مردم این روزها منافع شخصی خیلی مهم‌تر از کمک به دیگران است و ۲۶/۲ درصد از پاسخگویان معتقدند برای مردم این روزها کمک به دیگران مهم‌تر از منافع شخصی است.
۴. حدود ۷۴/۲ درصد از پاسخگویان معتقدند در جامعه ما هرکس به فکر این است که گلیم خود را از آب بیرون بکشد و ۱۴/۴ درصد از پاسخگویان معتقدند در جامعه ما هیچ کس به فکر این نیست که گلیم خود را از آب بیرون بکشد.
۵. در مجموع ۴۶/۶ درصد از پاسخگویان فردگرا و ۱۰/۴ درصد آنها جمع‌گرا بوده‌اند. (مؤسسه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۵).

دو تحقیق صورت گرفته در خصوص ارزش‌های معنا ساز هویت فردی و اجتماعی بیانگر تغییرات ارزش‌های هویت‌ساز در سطح فردی و اجتماعی می‌باشد. در تحقیق انجام شده، با استناد به یک نظرسنجی در سال ۱۳۷۵ (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۱۴۵) تغییر ارزشی در جامعه در قالب سؤالات با محوریت نهادهای معنوی، حجاب و پول نشان داده شده است. براساس نتایج این نظرسنجی در فواصل سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱ نگرش مردم در موارد اول و دوم با تعبیر منفی روبه‌رو شده است و پول از ارزش بیشتری در جامعه برخوردار شده است.

همچنین تحقیق دیگری در مورد تحولات ارزشی و رفتارهای سیاسی، نکاتی از تغییرات در هویت سیاسی افراد جامعه را بیان می‌کند (نک: ربیعی، ۱۳۸۰). این تحقیق با مطالعه پنج پیمایش به بررسی نکات مشترک آن‌ها پرداخته است. نوگرایی و آزادی‌خواهی، جامعه مدنی، تغییر در وضعیت موجود، آزاداندیشی، دفاع از حقوق زنان و تعامل با جهان خارج، در مقابل ارزش‌های سنتی و رسمی که بیشتر توسط نهادهای رسمی بیان و تبلیغ شده‌اند، دارای کارکرد هویت‌ساز بیشتری در افراد و جامعه شده‌اند. ارزش‌های هویت‌ساز، تعارضات هویتی را روزبه روز افزایش خواهد داد. این تغییرات هویت‌های فردی و اجتماعی را دستخوش دوگانگی نموده است. مشاهداتی از دوگانگی‌های رفتاری افراد در جامعه بر نوعی از بحران هویت فردی و اجتماعی دلالت می‌کند.

نتیجه‌گیری

استفاده جوانان ایرانی از اینترنت رو به گسترش می‌باشد و به طور گریزناپذیری، جوانان، پرجمعیت‌ترین و پرتعدادترین گروه نسلی ایران، در مواجهه با اینترنت و متأثر از فضای مجازی هستند. وابستگی متقابل دو جهان مجازی و واقعی باعث تعاملات فردی و اجتماعی در قلمروهای زیادی شده است. آن‌چنان‌که گفتیم، هویت در درون هر جامعه‌ای از عوامل ثبات و همبستگی است و هویت با ابعاد مختلف شخصی، اجتماعی، قومی و دینی، هر یک تأثیرات زیادی در دوام و بقا و استمرار جامعه دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد فضای مجازی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده‌ای از جوانان به وجود آورده است. بحران هویت در زمینه‌های فردی ناهمگونی‌های هویتی را سبب شده و به‌نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است.

تغییرات اجتماعی با زمینه‌های ناشی از تحولات ساختاری و جمعیتی در کنار تغییرات ناشی از آثار معناساز مطرح‌شده در فضای مجازی، وضعیتی قابل تأمل از بحران هویت اجتماعی پدید آورده است. یکی از بحران‌های فردی و اجتماعی دیگر خودپنداری ناشی از تعامل کاربران با فضای مجازی بوده و «امپاتی» در چنین شرایطی همانند یک سندروم اجتماعی، بحران‌های هویتی را دامن می‌زند و این امر زمینه‌ساز بسیاری از تعارضات سیاسی خواهد شد.

بررسی‌ها در این تحقیق نشان داده‌اند پایبندی به اصول بنیادین دینی کماکان در جامعه ایران امروز وجود داشته؛ اما نوع تلقی و انگاره‌ها در تفسیر مفاهیم دینی با نسل‌های گذشته و تفاسیر رسمی در حال زاویه‌گیری است. به نظر می‌رسد با توجه به فرایند جهانی‌شدن و مواجه شدن نسل متراکم جوان ایرانی با فضای مجازی، ضروری است عواقب این مواجهه در ایجاد بحران‌های هویتی بررسی شود. همان‌گونه که اشاره شد جامعه ایران به‌لحاظ قراردادی در دوره تاریخی خاص، از جنبه‌های «گذار» امروز علاوه بر بحران هویت دوره تاریخی صنعتی، بحران‌های هویتی دوره پسا صنعتی و فضای مجازی را نیز تجربه می‌کند. مسائل هویت‌های قومی هر چند محسوس نیست، در فضای مجازی تحولات خاص خود را دارد.

برنامه‌ریزی برای منابع هویت‌ساز جدید با توجه به فضای مجازی در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی الزامی است.

منابع

- آزادارمکی، تقی، غیاثوند، احمد (۱۳۸۳): *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*؛ تهران: آن.
- ادیب‌زاده، نسترن (۱۳۸۳): «ابعاد روانشناختی هویت فرهنگی»، *مبانی نظری هویت و بحران هویت*؛ به کوشش علی‌اکبر علیخانی؛ تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳): *بحران هویت ملی و قومی در ایران*؛ تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه انسانی.
- بوربورحسین‌بیگی، مریم (۱۳۸۳): *بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزش‌ها در بین دو نسل*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- پای، لوسین، و دیگران (۱۳۸۰): *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*؛ ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳): *مدیریت بحران، نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران*؛ تهران: فرهنگ گفتمان.
- تازیوردی، علیرضا (۱۳۸۳): *تعامل دینی در گروه‌های بحث اینترنتی*؛ مطالعه موردی تالار گفتگوی دین در سایت <http://www.goftman.com>؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خلقتی، مرضیه (۱۳۸۷): *بحران‌های هویت‌های مجازی در گمنامی چت*؛ به راهنمایی علی ربیعی؛ درس مدیریت بحران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- دارنلی، جیمز و فدر، جان (۱۳۸۴): *جهان شبکه‌ای درآمدی بر نظریه و عمل در باب جامعه‌اطلاعاتی*؛ ترجمه نسرین امین دهقان و مهدی محامی؛ تهران: چاپار.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۳): *لغت‌نامه دهخدا*؛ حرف ب (بخش اول)، تهران: دانشگاه تهران.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹): «جهانی‌شدن و هویت ملی»، *مطالعات ملی*؛ س ۲، ش ۵، صص ۱۰۰-۷۱.
- دهقان، علیرضا (۱۳۸۵): «روزنامه‌نگاری الکترونیکی: فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، *نشریه جهانی رسانه*؛ ش ۲. <http://www.goftman.com>
- راسخی، فروزان (۱۳۸۴): «جامعه دینی و جهانی‌شدن: چالش‌ها و فرصت‌ها»، *هویت ملی و جهانی‌شدن*؛ تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- راوردرد، اعظم (۱۳۸۴): «مسائل اجتماعی زنان در اینترنت»، *مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات*؛ بهار و تابستان، س ۱، ش ۲ و ۳، صص ۹۲-۷۳.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰): *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی*؛ تهران: فرهنگ و اندیشه.
- ربیعی، علی (۱۳۸۶): *تقریرات درسی مدیریت بحران‌های ارتباطی*؛ تهران: دانشگاه تهران دانشکده علوم اجتماعی.
- رضانیا، آوات (۱۳۸۷): *بحران اخلاقی در زمینه مسائل جنسی در اینترنت*؛ به راهنمایی علی ربیعی، درس مدیریت بحران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ص ۱۷.
- رفعت‌جاه، مریم، و علی، شکوری (۱۳۸۷): «اینترنت و هویت اجتماعی»، *مجله جهانی رسانه*؛ ش ۵. <http://www.goftman.com>.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶): *توسعه و تضاد*؛ تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شاقاسمی، احسان (۱۳۸۵): «مروری بر زمینه‌های تأثیر فضای مجازی بر نظریه‌های ارتباطات»، *نشریه جهانی رسانه*؛ ش ۲. <http://www.goftman.com>.
- شاقاسمی، احسان (۱۳۸۷): *عشق سیال، روابط پیش از ازدواج در جهان دو فضایی شده کاربران جوان ایرانی*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۳): «عوامل هویت و بحران هویت در ایران»، *مجموعه مقالات هویت در ایران*؛ به اهتمام علی‌اکبر علیخانی؛ پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- صوفی، محمدرشید (۱۳۸۵): «هویت‌های جدید واقعی و مجازی: مطالعه کاربران اینترنتی دانشجو با جنسیت و قومیت متفاوت»، *مجله الکترونیکی گلوبال مدیا ژورنال*؛ ش پاییز ۸۵، قابل دسترس در: <http://dcsfs.ut.ac.ir/gmj/index.asp>
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲): «دوج جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب»، *نامه علوم اجتماعی*؛ ش ۲۱.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۳): «جهانی شدن‌ها مفاهیم و نظریه‌ها»، *ارغنون*؛ ش ۲۴.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۴): «دوج جهانی شدن‌ها و آینده هویت‌های همزمان»، *هویت ملی و جهانی شدن*؛ به کوشش ا. عباس‌زاده و م. عباسی؛ تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۳): «نسبت هویت و خرده هویت‌ها»، *مبانی نظری هویت و بحران هویت*؛ به کوشش علی‌اکبر علیخانی؛ تهران: جهاد دانشگاهی.
- قاسمی، فرزانه (۱۳۸۳): «مراتب و مؤلفه‌های هویت»، *مبانی نظری هویت و بحران هویت*؛ به کوشش علی‌اکبر علیخانی؛ تهران: جهاد دانشگاهی.
- قاسمیان، عابدین (۱۳۸۳): *بحران اطلاعات*؛ تهران: نشر نستوه.
- قنبری‌برزیان، علی (۱۳۸۳): *رویکردها چالش‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی*؛ تهران: جهاد دانشگاهی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰): *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*؛ ترجمه حسن چاوشیان؛ ج ۲، تهران: طرح نو.
- گزارش راهبردی (۱۳۸۵): *بررسی بحران هویت در ایران*؛ تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های فرهنگی.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۰): «جهانی شدن و بحران هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۳، ش ۱۰، صص ۴۸-۱۳.
- گیدنز، آنتونی، و کسل، فیلیپ (۱۳۸۳): *چکیده آثار آنتونی گیدنز*؛ ترجمه حسن چاوشیان؛ تهران: ققنوس.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۱): *وسایل ارتباط جمعی*؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مک‌کارتی، شاون (۱۳۸۰): *نقش اطلاعات در مدیریت بحران: درآمدی بر درک محور دوقطبی تولیدکننده و مصرف‌کننده اطلاعات*؛ ترجمه و مقدمه محمدرضا تاجیک؛ تهران: فرهنگ گفتمان.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۷۹): «رسانه‌های جمعی و هویت»، *مطالعات ملی*؛ س ۲، ش ۴، صص ۲۷۰-۲۵۱.
- منتظر قائم، مهدی، و عبدالعزیز، تاتار (۱۳۸۴): اینترنت، سرمایه اجتماعی و گروه‌های خاموش»، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*؛ س ۱، ش ۴، پاییز و زمستان، صص ۲۴۳-۲۲۳.
- مولائی‌فرسنگی، حمیده (۱۳۸۷): *جهانی شدن و حساسیت‌های بین فرهنگی*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مهدوی، مهدی (۱۳۸۳): *بررسی وضعیت دینداری کاربران ایرانی اینترنت*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- نظرسنجی مؤسسه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۵.
- نوچه‌فلاح، رستم (۱۳۸۳): «هویت، واقعیتی ثابت یا سیال»، *مجموعه مقالات هویت و بحران هویت*؛ به اهتمام علی‌اکبر علیخانی؛ تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰): *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، موج ۱، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲): *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، موج ۲، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یاراحمدی، لعیبا (۱۳۸۶): *بررسی تأثیر ارتباطات بر ایجاد بحران هویت با تأکید بر اینترنت و هویت‌های دینی*؛ به راهنمایی علی ربیعی، درس مدیریت بحران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
<www.sciencedirect.com>
- Baumeister, R (1986); *Identity: Cultural Change and the Struggle for self*; Oxford University Press.
 - Bell, D. (2003); *An Introduction to Cybercultures. Simulaneously*; Published in the USA and Canada by Routledge.
 - Best, Samuel J. and Krueger, Brian S. (2006); Online Interactions and Social Capital: Distinguishing Between New and Existing Ties, *SOCIAL Science Computer Review*, 24,395,SAGE Publications.
 - Erikson, EH (1968); *Identify, Youth and Crisis*, london: faber.
 - Felix M.T, Jesu S C.O, Luis.G. (2005); Anonymity effects in Computer-mediated Communication in the Case of Minority Influence; pp. 1660-1674.
 - Flanagin, A.J. and Metzger M.J, (2001); Internet use in the Contemporary Media Environment, *Human Communication Research*; 27, PP. 153-181.
 - Lin, Hsiu-Fen and Lee, Gwo-Guang (2006); Determinants of Success For Online Communities: an Empirical Study, *Behaviour & Information Technology*, 25:6, 479-488.
 - Matei, S, (2004); The Impact of State-level Social Capital on the Emergence of Virtual Communities, *Journal of Broadcasting and Electronic Media*, 48,PP.23-40.
 - Nie, N.H, (2001); Sociability, Interpersonal Relations, and the Internet:Reconciling Conflicting Findings, *American Behavioral Scientist*, 45, PP.420-435.
 - Praprotnik, T. (2004); How to Understand Identity in Anonymous Computer-Mediated Communication? Available in:
 - Silverstone, Roger (2004); Regulation, MEDIA Literacy and MediaCivis, *Journal of Media Culture and Society*26, 440, SAGE Publications.
www.hsd.hr/revija/pdf/1-2-2004/01-praprotnik.pdf